

یادداشت استاد محمدرضا حکیمی خراسانی

بسمه الحکیم

دقت در مطالب این کتاب و توجه به منابع مهم و گسترده آن (۴۴۱* منبع و بسیاری از مهمترین تألیفات اسلامی دانشمندان متفاوت اسلام) ارزش کار را نشان می‌دهد و می‌رساند که مؤلف محترم دانشمندی است دقیق، پرحوصله، استنادگرا و تحلیل‌مبنا. باید در تألیفات اسلامی این گونه روش‌ها به کار رود. کتاب باید چاپ و نشر و ترویج شود، به‌ویژه باید مؤلفان حوزه علوم اسلامی به روش آن توجه کنند. ما امروز مبتلاییم به نقدنویسانی جور واجور، نقدنویسانی که مسلمان نشنود کافر نبینند! کاش آن ناقدان محترم از روش این کتاب - بخصوص در استناد - پیروی می‌کردند. والسلام.

۱۷ ربیع الاول (یوم المیلادین العظیمین)

قم ۱۴۳۲ ۱۳۸۹/۱۲/۲

محمدرضا حکیمی

* این تعداد ناظر به اواسط کار کتاب است که هنوز تکمیل و ویرایش نهایی نشده بود ولی هم‌اکنون در ویرایش نهایی و پایان کار به ۲۱۱۰ منبع رسیده است.

پیشگفتار

یکی از مسائلی که بشر در طول تاریخ زندگانی خویش همواره با آن سروکار داشته و هر چند یک بار گرفتارش می‌شده مسئله جنگ است. ابن خلدون گوید: «بدان که جنگ و انواع کشتار همواره در بین خلق از روزی که خداوند آنان را آفریده وجود داشته است».^۱ کانت گوید: «جنگ خود نیازمند هیچ محرک خاصی نیست بلکه به نظر می‌رسد با طبیعت انسانی عجین شده است».^۲ ساموئل کینگ در این باره گوید: «از آغاز پیدایش تاریخ بشر جنگ همواره وجود داشته است. نژادشناسان توانسته‌اند فقط عده‌انگشت‌شماری از ملل بیسواد و ابتدایی را مانند طوائف ایشکیمو بیابند که جنگ‌های منظم در میان آنان هرگز وجود نداشته است، جنگ چنان جنبه بین‌المللی و مداومی داشته است و چنان جزء زندگی ملت‌ها درآمده است که دانشمندان جامعه‌شناس آن را به منزله یک مؤسسه اجتماعی می‌دانند. گذشته از این بر اثر پیشرفت تمدن، جنبه تخریبی جنگ بیش از پیش افزایش یافته و عواقب آن وخیم‌تر و خانمان براندازتر شده است».^۳

یکی از پژوهشگران فاصله بین سال‌های ۱۴۳۶ قبل از میلاد تا ۱۹۲۵ بعد از میلاد را بررسی کرده، آنگاه چنین نتیجه گرفته که بشر کمتر از سیصد سال این مدت را در حال صلح به سر برده در مقابل اینکه بیش از سه هزار سال آن را در حال جنگ بوده است.^۴

۱. مقدمه ابن خلدون، ص ۳۳۴.

۲. صلح پایدار، ص ۹۶.

۳. جامعه‌شناسی ساموئل کینگ، ص ۵۴۵-۵۴۶؛ نیز بنگرید به: دائرة المعارف بستانی، ج ۶ ص ۷۸۱؛ الفن الحربی فی صدر الاسلام، ص ۶۱؛ جنگ و تمدن، ص ۱۵-۱۹ مقدمه؛ آثار الحرب، ص ۴۰-۴۱.

۴. بنگرید به: القانون و العلاقات الدولیه فی الاسلام، ص ۱۷۱؛ نیز بنگرید به: الحرب المشروعه فی الاسلام، ص ۶۶۷. کائوی هیندِرْسُون می‌گوید: «یک منبع مدعی است که بین سال‌های ۳۵۰۰ پیش از میلاد تا اواخر سده ۲۰ میلادی حدوداً ۱۴۵۰۰ جنگ رخ داده و ۳/۵ میلیارد نفر بر اثر آن جان خود را از دست داده‌اند و فقط ۳۰۰ سال از تاریخ را بشر در صلح به سر برده است».^۴ http://fa.wikipedia.org/wiki/جنگ_۲۱۱/۱۰/۲۳

در تاریخ معاصر نیز دو جنگ وحشتناک و ویرانگر جهانی اول و دوم بین سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ و ۱۹۳۹-۱۹۴۵ میلادی برابر با ۱۲۹۳-۱۲۹۷ و ۱۳۱۸-۱۳۲۴ شمسی رخ داد که در خلال آنها ده‌ها میلیون انسان بی‌گناه کشته و مجروح و بی‌خانمان شدند و خسارت‌ها و ویرانی‌های جبران‌ناپذیری از خود به جای گذاشت.^۱ در جهان کنونی و عصر حاضر نیز علی‌رغم ترقی و پیشرفت شگفت‌انگیز دانش و فرهنگ، پدیده وحشتناک و خانمان‌سوز جنگ به لحاظ سلطه‌جویی و قدرت‌طلبی، به طور پراکنده در اطراف و اکناف دنیا همچنان وجود دارد.^۲

یکی از معضلات و مشکلات اجتناب‌ناپذیر و پیچیده هر جنگی مسئله اسارت و اسیر است. در جنگ‌ها آن دسته از نیروهای پیکارگر که کشته می‌شوند پرونده‌شان مختومه می‌گردد و مشکل حقوقی چندانی ندارند، آن دسته هم که عقب‌نشینی می‌کنند و یا شکست می‌خورند مشکل حقوقی و گرفتاری در دست دشمن ندارند. اما آن عده از افرادی که به دست دشمن و جبهه مقابل گرفتار و به اصطلاح اسیر می‌شوند، معمولاً دچار سرنوشتی رقت‌بار و داستانی غم‌انگیز می‌گردند.

قبل از اسلام عموماً اسیران جنگی را به طرز فجیعی می‌کشتند و تعدادی را نیز به بردگی و بیگاری می‌گرفتند و به اعمال شاقه و امی داشتند.^۳ اسلام به وضعیت اسیر سر و سامان داد و حقوقی برای وی قائل شد. کشتن اسیران را جز در مواردی خاص و اضطراری ممنوع کرد و در احترام و احسان به آنان و مراعات حقوقشان سفارش اکید نمود و مسلمانان را از راه‌های گوناگون به آزادسازی اسیران تشویق و ترغیب کرد.

۱. برای اطلاع از جنگ جهانی اول و دوم بنگرید به: فرهنگ فارسی معین، ج ۵ ص ۴۳۵؛ دائرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۱ ص ۷۵۵-۷۵۹؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱ ص ۹۲-۱۱۰؛ دانشنامه دانش‌گستر، ج ۶ ص ۶۴۱-۶۴۹؛ تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، ص ۳۹۶-۴۴۱؛ حقوق بشر، مبشری، ص ۹۲-۹۴؛ نگاهی به تاریخ روابط بین‌الملل، ص ۱۳۱-۲۶۳؛ جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، ای. جی، پی تیلر؛ جنگ جهانی اول، رابرت گرین؛ بررسی جنگ جهانی دوم؛ رازهای جنگ جهانی دوم.

۲. آمار جنگ و کشت و کشتار در جهان از قرن هجدهم به بعد رو به فزونی بوده است. بنگرید به: رعایت حقوق بشر و ستانه بین‌المللی، ص ۲۸. البته پاره‌ای از دانشمندان برای جنگ فوایدی نیز قائل‌اند، بنگرید به: الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۲۱ ص ۲۲۲؛ تفسیر مراغی، ج ۲۶ ص ۴۹؛ السلم و الحرب، ص ۲۷؛ الاسیر فی الاسلام، ص ۶۰. بعضی از نظامیان هم به نوعی جنگ را بر صلح ترجیح داده‌اند. بنگرید به: جنگ، احمد نخجوان، ۱۶-۵۴؛ جنگ و تمدن، ص ۹-۲۲.

۳. بنگرید به: اسری الحرب عبر التاريخ، ص ۲۲-۱۰۸؛ دائرة المعارف فرید و جدی، ج ۱ ص ۲۷۸؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۶ ص ۲۶۰۵؛ قانون الحرب، ص ۳۷۹-۳۸۷.

متأسفانه موضوع اسیر تقریباً از مباحثی است که همیشه زنده و هرچند یک بار مورد ابتلای جوامع بشری است. علما و دانشمندان اسلامی از دو زاویه و دو دیدگاه به این بحث نگرسته‌اند؛ یکی بُعد تاریخی که معمولاً در کتاب‌های تاریخ اسلام و گاهی نیز به مناسبت آیات جنگ در تفاسیر قرآن آمده است. بُعد دیگر بحث حقوقی و احکام فقهی آن بوده که در کتاب‌های فقهی و در مبحث جهاد به آن پرداخته شده است. به همین لحاظ است که ما بخش اول کتاب را به بحث جهاد اختصاص دادیم. خوشبختانه در موضوع اسیر دیدگاه اهل تسنن و اهل تشیع به هم نزدیک بوده و جز یکی دو مسئله در سایر مباحث با هم اتحاد و اشتراک نظر دارند. اخیراً کتاب‌های مستقلی نیز در این زمینه نگاشته شده است که نویسندگان آنها جداگانه به این موضوع پرداخته‌اند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد اهل سنت چندین کتاب مستقل و شیعیان یکی دو کتاب پیرامون مباحث اسارت و اسیر نگاشته‌اند. کتاب حاضر که اصل آن به نام اسیر در تاریخ و فقه اسلام رساله دکتری (درجه استادیاری) اینجانب بود،^۱ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی تدوین شده ولی از هر دو منظر تاریخی و فقهی به موضوع اسارت پرداخته است و در بُعد تاریخی آن تاریخ اسیر از صدر اسلام تا سال چهارم هجرت یعنی تا پایان حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بررسی شده است. کتاب شامل دو بخش و یک خاتمه است: بخش اول جنگ و جهاد، بخش دوم اسارت و بردگی و خاتمه حقوق اسیر و جمع‌بندی مباحث. مطالب کتاب هم بر محور سه موضوع اصلی و اساسی قرار دارد؛ جنگ، اسارت، بردگی. چون کسانی که درباره اسیر مطلب می‌نویسند به طور طبیعی در این سه مقوله بحث می‌کنند. این سه موضوع اصلی از جمله مباحثی است که در دنیای کنونی اسلام‌ستیزان و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را دستاویز خود قرار داده و در مخالفت و ضدیت با نظر اسلام در این سه حوزه قلمفرسایی، شبهه‌افکنی و تبلیغات می‌کنند و در بعضی مواقع نیز جار و جنجال عوامانه به راه می‌اندازند!^۲

درباره شیوه کار یادآور می‌شوم در طی نگارش کتاب از آرا و افکار بسیاری از عالمان مسلمان

۱. این رساله به تاریخ دوم اسفندماه سال ۱۳۸۸ در تهران، مرکز فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران دفاع شد.

۲. بنگرید به: نوشته‌های شجاع‌الدین شفا، علی میر فطروس، علی سینا و آرش بیخدا. لازم است یادآور شویم که نوشته‌ها و دیدگاه‌های افراد یاد شده بیشتر دارای اهداف سیاسی و برداشت غلط از متون عربی و بعضاً تحریف پاره‌ای از آنهاست، در این نوع نوشته‌ها بنا بر عناد بوده نه فهم واقعیت و حقائق، فقط نوعی لعاب علمی به آنها زده شده است. از این روست که ارزش نقد و بررسی علمی را ندارند.

اعم از شیعیان و سنیان و نیز از دانشمندان شرق و غرب جهان و خاورشناسان استفاده شد و نظریات و تحلیل‌هایشان مطرح گردید. هر چند این کار موجب تکثیر اقوال و طولانی شدن برخی از فصل‌های کتاب گشت ولی برای جامعیت مباحث و اتقان و استحکام آن مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسید. از آنجا که موضوع جهاد بسیار خطیر و دارای اهمیت ویژه و حساسیت بالایی است، در این بخش بیشتر اهتمام بر آن بود تا عین مطالب نقل و یا ترجمه شود و از روش انتخاب، تلخیص و نقل به معنی دوری گردد تا اصالت مباحث و جزئیات آن محفوظ بماند. هر چند قیاس ذیل صد در صد مع الفارق است ولی با عرض پوزش، در این مسیر تا حدودی سبک پژوهشگر متبحر و فقیه ژرف‌اندیش شیخ مرتضی انصاری در کتاب مکاسب دنبال و اعمال گردید.^۱

همچنین سعی شد تمامی مطالب و مباحث کتاب مستند و همراه با ذکر مآخذ باشد حتی تلاش شد برای دیدگاه‌های خود نگارنده نیز منابعی به عنوان شاهد و تأیید ذکر گردد. در روش ارجاع به مصادر و ترتیب استناد به منابع نیز همانند دیگر آثارمان سبک طبقاتی و تقدم زمانی مراعات گردید. از این رو ممکن است در پاره‌ای موارد، مطالب نقل شده، در مصدر متأخر به صورت کامل‌تر و با ذکر جزئیات بیشتر آمده باشد.^۲

در مورد اسامی اشخاص و کلماتی که نیاز به ضبط و شکل و اعراب داشت معمولاً هر کجا برای اولین بار مطرح شده همراه با ضبط و اعراب است. با این وصف در فهارس اعلام، اماکن و منابع نیز ضبط آنها و ضبط اسامی کتاب‌ها آمده است. اما در ضبط اسامی و اعلام مستشرقان و خاورشناسان نخست در نظر بود صورت لاتین آنها در پا برگ‌ها درج شود ولی افزون بر آنکه این کار موجب دو دست شدن پاورقی‌ها و افزایش حجم کتاب می‌شد از استفاده عموم خوانندگان نیز برخوردار نبود، لذا ضبط و اعراب آنها نیز به شکل فارسی در همان متن کتاب اعمال شد.

جمله دعایی «صلی الله علیه و آله» که معمولاً بعد از نام مبارک پیامبر آورده می‌شود در بین اکثر اهل سنت به شکل «صلی الله علیه و سلم» مرسوم است. در ترجمه مطالب نقل شده از منابع آنان، برای رعایت فرهنگ فارسی‌زبانان و شیعیان کلمه «وآله» افزوده شد و چون موارد آن زیاد بود از قرار دادن در قلاب صرف نظر گردید.

۱. تذکر این نکته را واجب می‌دانم که مطلب مذکور خدای ناخواسته بلندپروازی نیست بلکه از این باب است:

أَجِبُّ الصَّالِحِينَ وَكُنْتُ مِنْهُمْ
لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُنِي صَالِحًا

۲. مشخصات کامل و دقیق مصادر و مآخذ در فهرست منابع ذکر شده است.

به لحاظ ارتباط و تناسب موضوع کتاب با قراردادهای ژنو درباره حقوق اسیر و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر و اینکه در برخی مواضع به آنها اشارت رفت و مطلب نقل شد، متن کامل آنها تهیه و تنظیم و با ویرایش جدید در قسمت ضائم و پیوست‌ها درج گردید تا برای علاقه‌مندان و کسانی که می‌خواهند به آنها مراجعه کنند سهل الوصول و در دسترس باشد و نیز بدین وسیله قراردادهای ژنو در باره حقوق اسیر منتشر و احیا گردد، چرا که قدرت‌های بزرگ بویژه امریکا در صدد به حاشیه راندن و به فراموشی سپردن آن هستند.^۱

تا آنجا که امکانات اجازه می‌داد و در حد توان اینجانب بود از منابع موجود در کشور به ویژه از کتابخانه‌های عمومی، خصوصی و تخصصی حوزه و دانشگاه و مراکز و مؤسسات علمی قم، تهران، مشهد و نیز کتابخانه‌های شخصی دوستان استفاده شد. این اثر ناچیز و ناقص حاصل پنج سال کار شبانه‌روزی و کوشش پیگیر و مستمر و بررسی صدها هزار جلد کتاب و تتبع و تفحص در آثار مکتوب و متون اسلامی و نیز تکاپو و جستجو در دنیای مجازی است.^۲

استاد محمدرضا حکیمی در زمستان ۱۳۸۹ در مسافرت سالانه و زمستانی خود که به شهر قم داشتند چند بار از اینجانب پرسیدند مشغول چه کاری هستید؟ عرض کردم کتابی درباره اسیر در دست تألیف دارم. آنگاه یک روز اوراق آن را خدمتشان تقدیم کردم تا ملاحظه و تورقی فرمایند. بعد که اوراق را از معظم له باز ستاندم فرمودند: یادداشتی در پشت آخرین برگه آن نوشته‌ام. یادداشت کوتاه استاد که در اول کتاب چاپ شده در شکوه و گله از بازار آشفته تألیف و طبع و نشر و نوشته‌ها و نقدهای کم محتوای امروزی است که گاهی بدون تحقیق و دقت لازم و عجولانه نوشته و چاپ و به مجامع علمی و فرهنگی کشور عرضه می‌شود. به قول استاد محمدعلی موحد «از شگفتی‌های روزگار مارگبار شدید کتاب و مقاله است که مدام و لاینقطع از بام تا شام بر سر اهل قلم و دفتر فرو می‌بارد!».^۳

شاید بدون مناسبت نباشد که در تأیید نگرانی و دغدغه حکیمانه استاد حکیمی و توصیه ایشان به تتبع و تحقیق و دقت بیشتر در امر نگارش متذکر شوم استاد عبدالفتاح عبدالمقصود

۱. بنگرید به: گوانتانامو جنگ امریکا علیه حقوق بشر، ص ۱۲۲.

۲. یادآور می‌شوم پس از اتمام نگارش کتاب همچنان هر چند یک بار کار نقد و بررسی و اصلاحات و اضافات تا بیش از سه سال دیگر ادامه داشت و آخرین ویرایش آن در آذر ۱۳۹۵ انجام شد و با در نظر گرفتن اینکه مدت‌ها قبل از نگارش در حال فراهم ساختن مقدمات کار و رایزنی با دانشمندان و اهل فن بودم، نهایتاً تدوین و تحریر این مجموعه قریب به یک دهه به طول انجامید.

۳. ابوالحسن نجفی حافظ زبان فارسی، روزنامه شرق، ۲۰ شهریور ۱۳۹۰، ص ۱۴.

دانشمند آزاداندیش و نویسنده شهیر و با شهامت مصری وقتی تصمیم گرفت طرح بنیادین تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام را پی ریزی کند و کتاب بس ارزشمند و بیدارگر الامام علی علیه السلام را بنویسد سه سال مقدمات کار را فراهم کرد و آنگاه به مدت سی سال آن را به رشته تحریر درآورد.^۱ الِکس هیلِی روزنامه نگار امریکایی و سیاه پوست افریقایی تبار برای نگارش رمان ماندگار و افشاگر ریشه‌ها که بر اساس یک واقعیت تلخ و دردناک تاریخی در مورد بردگان افریقایی نوشت، زحمات جانکاه و طاقت فرسایی را متحمل شد. برای تحقیقات میدانی افزون بر سفرهای متعدد به ایالت‌های مختلف امریکا و سفر به انگلستان و زیر و رو کردن و بررسی صدها اسناد و مدارک بایگانی شده درباره کشتیرانی و اعزام بردگان افریقایی به امریکا، چند بار به قاره افریقا سفر کرد و همراه یک گروه راهنما و مترجم با رفتن به اعماق جنگل‌ها و روستاهای دور افتاده و دیدار از نزدیک با روستاییان و بومیان محلی، آداب و رسوم و فرهنگ نیاکان خود را گردآوری و تدوین نمود و تاریخ مخوف و روایت غم‌انگیز آدم‌ربایی از قاره افریقا و دزدیدن جد و نیای هفتم خود کُوتنا کینته را زنده کرد و جنایات وحشتناک و اعمال سیاه سفیدپوستان به اصطلاح متمدن را بر ملا ساخت!^۲

الکس بخش‌هایی از کتاب ریشه‌ها را بیش از یازده بار بازنویسی نمود^۳ و در سامان بخشیدن و نوشتن آن دوازده سال تلاش و کوشش پیگیر و اعجاب‌انگیز به کار گرفت^۴ و به گفته خودش: ریشه‌ها حاصل سال‌ها پژوهش و کار سخت در پنجاه و اندی کتابخانه، بایگانی و منابع دیگر و هشتصد هزار کیلومتر سفر در سه قاره است.^۵

جالب است بدانید نتیجه اثر آقای هیلِی این شد که وقتی در سال ۱۹۷۶ میلادی برابر با ۱۳۵۵ شمسی به مناسبت دویستمین سالگرد استقلال کشور امریکا فیلم سریالی ریشه‌ها که بر اساس همین کتاب ساخته شد و از ژانویه ۱۹۷۷ از شبکه تلویزیونی ای. بی. سی امریکا پخش گردید یک

۱. بنگرید به: امام علی علیه السلام، غروب خورشید، مقدمه، ص یح.

۲. بنگرید به: ریشه‌ها، ص ۶۷۵-۶۹۱.

۳. ریشه‌ها، ص ۳.

۴. ریشه‌ها، ص ۷. متن انگلیسی ریشه‌ها نخستین بار در سال ۱۹۷۶ م در شهر نیویورک به چاپ رسید.

۵. بنگرید به: ریشه‌ها، ص ۶۹۰-۶۹۱. البته آقای هیلِی نیز به نوبه خود در بخش افریقایی ریشه‌ها از کتاب رمان افریقایی هازولد کارلاندِر نویسنده امریکایی بهره برد.

صد و سی میلیون نفر امریکایی به تماشای آن پرداختند.^۱ فیلم ریشه‌ها ایالات متحده را تکان داد و وجدان‌های آگاه را بیدار کرد! امریکایی‌ها برای اولین بار به خود آمدند و دریافتند که پدران و اجدادشان به عنوان نژاد سفید و برتر و نیرومند چه رفتار بی‌رحمانه و غیر انسانی با سیاه‌پوستان ستم‌دیده و ربوده شدگان و برده‌گشتگان افریقایی داشته‌اند!^۲

به لحاظ موضوع کتاب که بحث اسیر و اسارت است بسیار مناسب و پسندیده است که از اثر وزین و ماندگار آزاده جانباز جناب آقای سید ناصر حسینی پور نیز یاد کنیم که با امکانات بسیار ناچیز و دست‌مایه اندک دوران اسارت خود در کشور عراق، حدود ده سال زحمت کشید و کتاب خواندنی و ماندنی پای‌ی که جا ماند^۳ را با آن روح لطیف و قلم باصفای روستایی خویش به رشته تحریر درآورد و برگ زرینی بر کتاب قطور و پرافتخار مقاومت دلیرمردان ایران زمین افزود.

به هر حال امیدواریم زنگ خطری را که استاد حکیمی به صدا درآوردند باعث تنبّه و بیداری همگان گردد و خداوند سبحان به ما توفیق عطا فرماید تا حق قلم، این ابزار ترسیم و ثبت حقائق را ادا کنیم و آن را به شیوه صحیح و با دقت بیشتر به کار بریم و روز به روز شاهد ترقی و تعالی در حوزه تألیف و ترجمه و تصحیح در کشور عزیزمان ایران باشیم، به امید آن روز.

در اینجا واجب است از عالمان و بزرگان عرصه علم و دانش که زمینه این کار و مراحل تدوین چنین رساله‌ای را برای اینجانب فراهم آوردند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری کنم، به‌ویژه از دانشمندان و مسئولان فرهنگی کشور؛ آقایان حجج اسلام دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس کمیسیون ارزیابی خبرگان بدون مدرک دانشگاهی و مدیر بخش مطالعات اسلامی فرهنگستان

۱. بنگرید به: نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران، ص ۷۴؛ العبودیه فی افریقا، ص ۲۱۳. یادآور می‌شوم سریال ریشه‌ها به کارگردانی اِشتین ماژگولایز هنرمند و کارگردان امریکایی ساخته شد و لیوار بُورژون هنرپیشه امریکایی و سیاه‌پوست افریقایی تبار نقش کونتاکینته را در آن ایفا کرد. بنگرید به: <http://fa.wikipedia.org/wiki/ریشه‌ها>

۲. قابل ذکر است که یک صد و بیست و چهار سال قبل از انتشار کتاب ریشه‌ها کتاب کلبه عموتّم نوشته خانم هریت بیچر اِستو در سال ۱۸۵۲ م منتشر شد و پاره‌ای از جنایات و رفتار غیر انسانی مالکان و اربابان برده‌دار امریکایی را برملا ساخت ولی در آستانه انتشار ریشه‌ها اولاً بیش از یک قرن از آن زمان می‌گذشت و چند نسل منقرض شده بودند و ثانیاً کلبه عموتّم به گستردگی و جامعیت ریشه‌ها نبود و تاریخ غم‌انگیز و مخوف آدم‌ربایی غریبان را نیز در بر نداشت.

۳. مشخصات اثر مذکور در فهرست منابع آمده است.

علوم، استاد راهنما؛ دکتر احمد احمدی، عضو شورای انقلاب فرهنگی و رئیس سازمان سمت، استاد مشاور؛ دکتر خلیل قبله‌ای^۱ فقیه و حقوقدان و استاد دانشگاه علوم قضایی، استاد داور؛ دکتر سید طه مرقاتی قائم مقام و معاون پژوهشی سازمان سمت، هماهنگ کننده و ناظر کارهای عملی و اجرایی این طرح؛ نیز دکتر مهدی ایرانمنش مشاور وزیر و مدیرکل دفتر هیئت‌های امناء و هیأت ممیّزه مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

پاره‌ای از دوستان فرهیخته و اهل کتاب و اصحاب فضل و دانش از حوزه و دانشگاه به ویژه دوست مهربان حجة الاسلام رسول جعفریان و حجة الاسلام محمد مرادی در تهیه منابع مرایاری کردند و عده‌ای از دوستان نویسنده و اساتید فاضل نیز اوراق این نوشتار را قبل از چاپ مطالعه نمودند و تذکرات سودمندی ارائه دادند که از همگی آنان به خصوص از حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی، حجة الاسلام رضا مختاری، حجة الاسلام حسین حسینیان مقدم و سرکار خانم ناهید طیبی کمال تشکر را دارم. شایان ذکر است که جناب دکتر احمدی سه بار این اثر را به طور دقیق و عمیق مطالعه و بررسی کردند و مطالب ارزشمندی را یادآور شدند. سرانجام تقدیر چنین بود که دکتر محمد حسن ضیائی فر دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران نیز این اثر را به دقت مطالعه نمود و نکات لازمی را پیشنهاد کرد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از زحمات دوست گرامی جناب آقای محمد محمدی مدیر مؤسسه فرائشر قدردانی کنم. ایشان دقت‌ها و وسواسی‌های علمی مرا طی چندین سال با خوشرویی و بردباری تحمل کرد و تغییرات و اصلاحات و اضافات پس از ویرایش نهایی و صفحه‌آرایی را با مهارت خاص و تحسین برانگیز به نحو شایسته‌ای انجام داد. پاداش همه این عزیزان با خداوند رحمان. بدون تردید تمام این نعمت‌ها از لطف و عنایت پروردگار منان بود، پس در هر حال سپاس از آن اوست.

عیسی آباد از توابع بخش خلجستان قم

سیدعلی میرشریفی

شهریور ۱۳۹۲ برابر با ذیقعدہ ۱۴۳۴

۱. باکمال تأسف استاد قبله‌ای در تاریخ سی و یکم تیر ۱۳۹۵ رحلت فرمود و مقدر نبود چاپ کتاب را مشاهده فرماید.

مقدمه

آفرینش انسان و ارسال پیامبران

لازم است پیش از ورود به بحث جنگ و جهاد و اسارت و بردگی مقدمه‌ای داشته باشیم دربارهٔ خلقت انسان و سیر تکاملی آن تا زمینه‌ای باشد برای بیان بحث جنگ و جهاد.^۱ خداوند حکیم انسان را از خاک آفرید و جهان خاکی را محل امنی برای زندگی او قرار داد و با ارسال پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی سعادت دنیا و آخرت وی را تضمین کرد تا در پرتو تعالیم و حیانی راه تکامل را بی‌پیماید و در عین اینکه در این عالم مادی زندگی کریمانه، عادلانه و شرافتمندانه‌ای داشته باشد، خود را نیز برای رفتن به سرای آخرت و بهشت جاوید آماده سازد. از آنجا که انسان موجودی است مادی و زمینی و وجود او مرکب است از قوای مادی و معنوی و شهوانی و روحانی، لذا عالم بشر و طبیعت عالم تزاخم و تنازع و محدودیت است و زندگی انسان به طور طبیعی خالی از فساد، نزاع و خونریزی نیست.^۲ البته قید اختیار برای انسان محفوظ است^۳ و گرنه سر از جبر درمی‌آورد و وقتی به مرز جبر رسید بازداشتن و نهی وی معنی ندارد و تکلیف منتفی می‌گردد.

در ابتدای آفرینش آدم علیه‌السلام در آن هنگام که فرشتگان به خداوند عرض کردند:

۱. روشن است که این مقدمه بیشتر بستر و زمینه‌ای است برای بخش نخست کتاب که مباحث جنگ و جهاد را دربر دارد.

۲. نیز بنگرید به: الوحی المحمدی، ص ۲۵۱؛ المیزان، ج ۱ ص ۱۱۵؛ جنگ و جهاد در قرآن، ص ۲۷-۳۰.

۳. نیز بنگرید به: سیاست مدنی، ص ۱۸۸؛ تقریب المعارف، ص ۱۱۲.

«أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»^۱ آیا کسی را در زمین می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها ریزد؟! گویا اشاره به این نکته دقیق داشته‌اند.

روایات و احادیث معصومین علیهم السلام نیز به این نکته تصریح دارد، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً بِلا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي السَّبَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلِ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا، فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ»^۲ همانا خداوند در فرشتگان عقل بدون شهوت نهاده است و در حیوانات شهوت بدون عقل و در آدمیزادگان هر دو را نهاده است. پس کسی که عقلش بر شهوتش غالب آید از فرشتگان بهتر است و کسی که شهوتش بر عقلش چیره گردد از حیوانات بدتر است.

انسان‌هایی که اسیر هوای نفس و شهوت‌اند دنبال تکاثر و فزونی طلبی، طغیان و تجاوز و سلطه و ستم بر دیگران هستند. این افراد مفسد و شروراند که به حق خود اکتفا نکرده و دنبال تجاوز به حقوق دیگران‌اند و در این مسیر انحرافی و کژراهه است که به فساد و تباهی و جنگ و خونریزی کشیده شده و امنیت جامعه را سلب و نظم اجتماعی را دچار اختلال می‌کنند. از این رو خداوند حکیم و مهربان برای تأمین عدالت و آسایش بشر و ادامه حیات جامعه، سفیرانی را برای هدایت انسان‌ها فرستاد و قوانین و مقرراتی را نیز وضع کرد تا فرزندان حضرت آدم علیه السلام بتوانند در سایه آن به زندگی عادی و طبیعی خود ادامه دهند. قرآن کریم به این مطالب اشاره کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ»^۳ همانا رسولانمان را با دلائل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب و میزان

۱. بقره (۲): آیه ۳۰.

۲. علل الشرائع، ص ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۱۶۴؛ بحارالانوار، ج ۵۷ ص ۲۹۹.

۳. حدید (۵۷): آیه ۲۵. لسان العارفین شیخ محمود شبستری چقدر زیبا این جهان‌بینی اسلامی و الهی را در گلشن راز، ص ۸ به نظم کشیده است:

یکی خط است از اول تا به آخر	برو خلق جهان گشته مسافر
در این ره انبیا چون ساربانند	دلیل و رهنمای کاروانند
وز ایشان سید ما گشته سالار	هم او اول هم او آخر در این کار

نازل کردیم تا مردم به عدل قیام کنند و آهن را فرو فرستادیم که در آن سختی شدید و سودهایی نیز برای مردم است.

یکی از این نوع قوانین و احکام سرنوشت‌ساز حکم جهاد و دفاع است که درباره آن در فصل آینده به تفصیل سخن خواهیم گفت. تشریح جهاد به این لحاظ بوده که در هر عصر و زمانی گروه‌هایی از همین افراد شرور و مفسد و کافران ستمگر و معاند یافت می‌شدند که در مقابل دعوت و تبلیغ پیامبران الهی که برای راهنمایی و تأمین سعادت و آسایش بشر آمده بودند و جز خیر و صلاح انسان‌ها چیز دیگری نمی‌خواستند، قد برافراشته مانع تبلیغ ایشان می‌شدند و به اذیت و آزار و شکنجه و اضرار آنان برمی‌خاستند^۱ و در نهایت به جنگ و خون‌ریزی و کشت و کشتار دست می‌زدند.

انبیا و سفیران الهی نیز به ناچار برای پیشبرد اهداف خویش و رهایی جامعه از ظلم و فساد و تثبیت و گسترش احکام الهی و ارزش‌های انسانی و حفظ کرامت و شرافت بشر و در یک کلام نابودی ظلم و فساد و احیای قسط و داد به مقابله با آنان برخاسته و از دعوت خویش و فراخواندن مردم به سوی حق دفاع می‌کردند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَكَأَيُّ مَنِ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۲ چه بسیار پیامبرانی که تعداد زیادی از مردان الهی همراه آنان جنگیدند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید سست و ناتوان نشدند و تن به ذلت ندادند و خداوند شکیبایان را دوست دارد.

بدیهی است که این جنگ و جهاد فی سبیل الله و دفاع از دین خدا حق طبیعی و الهی پیامبران و انسان‌های صالح و مجاهدان در راه خدا بوده است و خواهد بود.

۱. طرفه اینکه ابوبکر محمدبن زکریای رازی طبیب مشهور ایرانی جنگ‌ها را ناشی از دین و مذهب دانسته و گفته است اگر تدین و دینداری مردم نبود جنگی هم در بین آنان رخ نمی‌داد. فیلسوف و متکلم معاصر او احمدبن حمدان معروف به ابو حاتم رازی در مناظره‌ای که با زکریای رازی داشته پاسخ وی را داده است. بنگرید به: أعلام النبوه، ابو حاتم رازی، ص ۱۸۶ - ۱۹۰. ابن سینا نیز درباره افکار و عقاید زکریای رازی سخت به وی تاخته است. بنگرید به: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ص ۱۷۶؛ خیانت در گزارش تاریخ، ج ۱ ص ۱۵۰-۱۵۱.

۲. آل عمران (۳): آیه ۱۴۶. نیز بنگرید به: الجهاد و الارهاب، ص ۷۰.